



دانشگاه تربیت معلم

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)

عنوان

سن مسئولیت کیفری دختران در ایران از دیدگاه

فقهی ، حقوقی و روانشناختی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر جمشید جعفر پور

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر شکوه نوابی نژاد

دانشجو

حمیده حاتمی

دی ماه ۱۳۸۹



با تشکر از اساتید گرانقدری که هدایتگر ما بودند.

...

تقدیم به منجی جهان بشریت .

چکیده

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی کودکان را مبری از مسئولیت کیفری می داند و در تبصره ۱ این ماده کودک را کسی می داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. در شرع مقدس اسلام برای بلوغ ملاک‌هایی برشمرده شده که سن نامعتبرترین آنهاست. از طرفی ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی عنوان می دارد که هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد و در تبصره ۱ همین ماده سن بلوغ در پسران را ۱۵ سال تمام قمری و در دختر را ۹ سال تمام قمری ذکر می کند .

از آنجا که اغلب دختران در ایران در سن بالای ۱۲ سال به بلوغ جنسی و جسمی می رسند و در مجازات طبق قاعده درء بهتراست که احتیاط را رعایت کرده و سن بالاتر را ملاک قرار دهیم.

برآن شدیم تا با بررسی آیات و روایات مربوط به سن بلوغ، بهترین معیار برای تعیین سن مسئولیت کیفری دختران را بررسی کنیم.

از طرفی در تبصره ۲ قانون ۱۲۱۰ قانون مدنی میگوید: اموال صغیری را که بالغ شده در صورتی می توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. آیا مسئولیت کیفری اهمیت کمتری دارد که موضوع رشد (به معنای قدرت تمیز) در آن لحاظ نشده باشد ؟

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	مقدمه
۵	بیان مساله
۷	ضرورت پژوهش
۸	پرسشهای پژوهش
۹	فرضیه
۱۰	پیشینه پژوهش
۱۳	فصل دوم: ادبیات پژوهش
۱۴	مسئولیت
۱۷	کیفر
۱۸	عناصر مسئولیت
۲۴	کودک
۲۵	بلوغ
۲۷	رشد

۲۹	فصل سوم : بررسی فقهی سن مسئولیت کیفری
۳۰	مفهوم حقوقی رشد
۳۲	مفهوم کیفری رشد
۳۵	احراز رشد در مسئولیت کیفری
۳۵	ارزیابی آیات رشد
۴۱	بررسی و ارزیابی روایات رشد
۵۱	فصل چهارم: بررسی حقوقی سن مسئولیت کیفری
۵۲	سن مسئولیت کیفری در قوانین
۵۴	شروع و پایان کودکی
۶۰	حد تمیز وعدم تمیز در اطفال چگونه است؟
۶۳	فصل پنجم: بررسی روانشناختی سن مسئولیت کیفری
۶۵	رشد
۶۶	مراحل رشد ادراکی
۶۸	جمع بندی
۷۰	فهرست منابع
۷۳	پیوست ها

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

با توجه به اجتماعی بودن بشر هرکس برای مقبولیت در گروهی که به آن تعلق دارد ناچار به پذیرفتن بایدها ونباید هایی است که قوانین آن گروه یا اجتماع نامیده می شود.

چنانچه فردی به دلایل گوناگون عملی انجام دهد که مطابق قانون نباشد مستوجب برخورد قهر آمیز از سوی جامعه می گردد. در مواردی که عدم اطاعت از قانون ، جرم محسوب شود، شخص مستحق کیفر می شود. در اینجا جرم به معنای ناسازگاری افراد و عمل ضد اجتماعی و کیفر (جزا) به معنای عقوبت و مجازات می باشد.^۱

از آنجا که جرم در قرون و اعصار وحتى در جوامع گوناگون به اشکال مختلفی صورت میگیرد ، مجازاتها نیز طی دوران دچار تحولات و دگرگونی های بسیار شده است. " این مجازاتها در جوامع اولیه، به صورت واکنش آنی و نهادی انسان در قالب انتقام تجلی پیدا می کرد ولی به تدریج توسط بشر شکل و سازمان پیدا کرد و چگونگی و مقدار آن مشخص شد."^۲

"در جوامع اولیه، نحوه واکنش نسبت به جرایم اطفال و نوجوانان، با بزرگسالان هیچ تفاوتی وجود نداشته است یعنی همان برخوردی که با بزرگسال می کردند با اطفال و نوجوانان نیز می کردند. در جوامع اولیه حتی حیوانات و مردگان را مجازات می کردند. پس نباید انتظار داشت که در آن جامعه واکنش اجتماعی نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان متفاوت از بزرگسالان باشد . به تدریج با پیشرفت جوامع و ایجاد تمدن های بزرگ، این مساله مورد توجه قرار گرفت که اطفال و نوجوانان جدای از بزرگسالان در ارتکاب اعمال مجرمانه خود سوء نیت ندارند و اعمال ارتكابی آنها بیشتر جنبه خطا و اشتباه دارد. ظهور مسیحیت این تفکر را بیشتر مورد توجه قرار داد . مسیحیت دین نیکوکاری بود و روحانیون مسیحی اصول و مذهب مسیح را که همان ترویج نیکوکاری بود، تعلیم می دادند و در این دوران روحانیون مسیحی خواستار اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان شدند. به عنوان مثال در سال ۸۱۷ میلادی مجمع عمومی روحانیون مسیحی پیشنهاد کردند به زندانیان مخصوصاً اطفال و نوجوانان کار دستی آموخته شود، اما با فرا رسیدن دوران تاریک وسطی، وضعیت

^۱ جعفری لنگرودی ، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ص ۳۲۷۳

^۲ پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۱۷

دوباره به حالت سابق برگشت. همان طور که می دانیم در قرون وسطی کلیساها قدرتمند شدند و روحانیون مسیحی برای حفظ اقتدار خویش از هیچ گونه اعمالی فرو گذاری نکردند، از جمله در بحث مجازات اطفال، نمونه های زیادی از مجازات های خشونت آمیز و سختگیرانه در مورد کودکان و اطفال مشاهده می شود. مثلاً در سال ۱۶۲۹ میلادی کودک هشت ساله ای را به جرم آتش زدن انبار علوفه به دار آویختند. همچنین خواهر و برادر یازده و هفت ساله ای را به جرم قتل، به دار آویختند و کودک ۹ ساله ای را به جرم سرقت جعبه نقاشی از مغازه ای محکوم به مرگ کردند. اینها نمونه هایی از برخوردهای سخت گیرانه با پدیده بزهکاری اطفال است. در طول سه قرن ۱۶، ۱۷، ۱۸ میلادی این عقیده حاکم بود که برای صیانت جامعه مجازات های سنگین باید وجود داشته باشد، اما بهبود اوضاع اقتصادی و روابط اجتماعی باعث شد تا تفکرات سختگیرانه فوق مورد اعتراض قرار گیرد و اصول منطقی تری در مجازات اطفال بزهکار در نظر گرفته شود و تفکر اصلاح اطفال بزهکار جانشین تفکر تنبه و مجازات آنان شود.^۱

اگر در عرصه بین المللی به این مساله نگاه کنیم، متوجه می شویم که روند یکسانی در بین کشورها برای در نظر گرفتن مسئولیت کیفری وجود ندارد. به نظر می رسد هماهنگ شدن کشورها از لحاظ در نظر گرفتن یک سن مشترک برای مسئولیت کیفری امری ضروری و لازم باشد.

^۱ ذوالفقاری، ایمان، تحولات اضاع اجتماعی در مورد بزهکاری اطفال، <http://www.vakilmodafe.ir/post/261>

سن مسئولیت کیفری	کشور
۷	اردن - هند - مصر - کویت - لبنان - لیبی - مالاوی - زیمباوه - امارات - یمن - سنگاپور
۸	زامبیا - کنیا - اسکاتلند - اندونزی
۹	مالت - عراق - بنگلادش
۱۰	انگلستان - استرالیا - فیجی - ایرلند - هنگ کنگ - کامرون
۱۱	ژاپن
۱۲	دومینکن - گامبیا - جامائیکا - فلسطین اشغالی - هاندوراس - هلند - افغانستان - ترکیه - اوگاندا - مکزیک - گرجستان - ونزوئلا - غنا - اکوادور - برزیل - بلژیک - بولیوی
۱۳	الجزایر - ازبکستان - بوركینافاسو - بروندی - چاد - یونان - سنگال - گینه - مالی
۱۴	آلمان - بلاروس - آذربایجان - ایتالیا - ارمنستان - اکراین - اسلواکی - قرقیزستان - اسپانیا - اسلوانی - ویتنام - رواندا - چین - کلمبیا - شیلی
۱۵	دانمارک - ایسلند
۱۶	آرژانتین - گینه بیسائو - کنگو

جدول ۱: سن مسئولیت کیفری دختران در کشورهای مختلف^۱

سن تکلیف در ایران برای دختران ۹ سال قمری تمام می باشد ، از آنجا که وقتی طفلی مرتکب بزه و جرمی می شود در بسیاری از موارد، اتفاقی است که شاید به صورت تصادفی باشد و به احتمال زیاد در آینده تکرار نخواهد شد. ضرورت تجدیدنظر در سن مجازات اطفال خصوصاً دختران، در قانون مجازات اسلامی جاری در ایران امروز ، امری ضروری به نظر می رسد تا مبادا، به تصور اجرای عدالت ، مجازاتی بیش از حد تحمل فرد برایش قایل شویم و یا در نهایت، نفسی را که خداوند محترم شمرده به ناحق از بین ببریم.

در این رساله به بررسی موضوع سن مسؤلیت کیفری دختران از ابعاد فقهی، حقوقی و روانشناختی و بررسی قوانین موجود می پردازیم.

¹ Children's rights and the minimum age of criminal responsibility: a global perspective, Don Cipriani, Ashgate Publishing, Ltd., 2009 - Law – p 99-108

بیان مساله

طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، سن مسئولیت کیفری دختران، سن بلوغ ذکر شده و از طرفی بلوغ برای همه یکسان نیست. بلوغ یکی از حساس ترین و مهمترین مراحل زندگی هر انسان است، زیرا این مرحله یکی از مراحل تکامل طبیعی خلقت انسان و یکی از اسرار آمیزترین و اعجاب انگیزترین نشانه ها و رموز خلقت می باشد و حد تکلیف است. آدمی به دلیل تحول و تکامل عظیمی که در ساختمان وجودی او رخ می دهد، در این سن مهیای توالد و تناسل می شود و شایستگی مکلف شدن به احکام تکلیفی و صلاحیت انجام دادن پاره ای از اعمال حقوقی را تحصیل می کند، بنابراین شناسایی این مرحله و معرفی آن حایز اهمیت است.

به همین سبب تاکنون درباره این موضوع مطالعات و تحقیقات قابل توجهی صورت گرفته و بویژه به دنبال اصلاحات و تغییرات قانون مدنی (حذف ماده ۱۲۰۹ و اصلاح ماده ۱۲۱۰) که به حذف ضابطه ۱۸ سال به عنوان سن کبر منجر گردید، فقیهان و استادان حقوق در مقالات و نوشته هایی، مقررات جدید و منابع فقهی آن را مورد نقد و بررسی قرار داده و نظرهای مختلفی را درباره زمان بلوغ ارایه داده اند. در اینجا به طور خلاصه نتایج حاصل از مطالعات انجام شده را ذکر می کنیم:

بلوغ یک امر طبیعی و فیزیولوژیکی است که در فقه نشانه هایی برای آن ذکر شده است. برخی از این نشانه ها طبیعی است (مانند احتلام و عادت) و برخی جعلی و قانونی است (مانند سن معین).

قانون مدنی از نشانه های بلوغ فقط به سن معین اشاره کرده و در مورد سایر نشانه ها سکوت کرده است. با وجود این شک نیست که سایر نشانه های مذکور در فقه امامیه را در حقوق امروز، باید به عنوان علامت و دلیل بلوغ پذیرفت. در واقع قانونگذار سن معین را اماره بلوغ قرار داده و رسیدن به آن را دلیل بر بلوغ تلقی می نماید، هر چند که هیچ یک از نشانه های طبیعی بلوغ ظاهر نشده باشد.

از طرفی چه بسا افراد بالغی که هنوز رشد کافی ندارند و یا به اختلال مشاعر (جنون) مبتلا هستند، اما از نظر قانونی آمادگی ازدواج را بدست آورده اند، هر چند که امور مالی آنان را ولی یا قیم اداره می کند.

در قرآن کریم سن بلوغ معین نشده است و از پیامبر اکرم(ص) حدیثی در سن بلوغ نقل نشده و حتی تا زمان امام باقر(ع) نیز روایتی درباره سن بلوغ در کتب روایی نیامده است.

فقه‌های امامیه در سن بلوغ اختلاف نظر دارند و اختلاف آنها ناشی از روایات متعدد و مختلفی است که در این باره وجود دارد. مشهور فقهای امامیه بر اساس روایاتی فتوا داده اند که سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. اما به عقیده برخی از فقهای معاصر، فقیهان شیعه هر چند به روایت ۹ سال عمل کرده اند اما نمی توان در چنین مسایلی از آنان تبعیت کرد و نمی توان به این روایات عمل نمود زیرا با روایات دیگر هماهنگ نمی باشند و با روایات معتبری که در دلالت و سند آنها هیچ ایرادی نیست (احادیث دال بر ۱۳ سال) تعارض دارند و با ملاکی که در قرآن کریم برای بلوغ ذکر شده، یعنی رسیدن به حد احتلام یا بلوغ نکاح، سازگار نمی باشند. بنابراین ۹ سال نه اماره طبیعی غالبی بلوغ است و نه اماره تبعیدی شرعی، زیرا دختران، به طور غالب، از دوازده سال به بعد به بلوغ طبیعی می رسند.

با در نظر گرفتن مطالب مذکور و با توجه به سوابق فقهی و حقوقی مساله می توان گفت سن ۹ سال به عنوان اماره بلوغ برای دختر که در قانون مدنی دیده می شود سن مناسبی نیست و با شرایط طبیعی، اقلیمی و اجتماعی ایران وفق نمی کند اما در وضع فعلی، دختری که به سن ۹ سال تمام قمری رسیده است، از نظر قانونی بالغ محسوب می شود و به همین جهت در امور غیر مالی از حجر خارج می شود، استقلال و آزادی پیدا می کند و حتی می تواند با اذن ولی یا قیم ازدواج کند.

با توجه به اینکه بسیاری از دخترانی که تازه به سن بلوغ جسمی و شرعی رسیده اند، از رشد عقلی و فکری لازم در مسائل کیفری برخوردار نیستند، تعیین سن مناسب برای مسئولیت کیفری از مهمترین مسایل روز است، ما در پی آنیم که از دیدگاه فقها و متخصصین به بررسی این امر بپردازیم.

ضرورت پژوهش

سن مسئولیت کیفری از دیرباز جزء موضوعات مهم و پرچالش حقوق کیفری محسوب می‌شود. طبق نظر مشهور فقهای شیعه، سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی بر اساس سن بلوغ شرعی، ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران تعیین شده است. حال سؤال این است که آیا ابتدای سن مسئولیت کیفری بر سن بلوغ شرعی صحیح است؟ آیا سن بلوغ امری تعبدی یا تکوینی است؟ تدریجی یا دفعی است؟

ماده ۴۹ ق. م. ا. بلوغ شرعی را موجب مسئولیت کیفری دانسته است، در حالی بیشتر دختران در این گروه سنی، اگر نسبت به برخی مسائل عبادی، از شعور و توانایی فکری لازم برخوردار باشند، در مسائل کیفری به ویژه جرائم نوپیدا و پیچیده امروزی، رشد و توانایی فکری لازم را ندارند. از این رو باید ملاکی غیر از بلوغ شرعی برای آن در نظر گرفته شود. از دیدگاه روانشناسی رشد و بلوغ، همچنین واقعیت و تجربه خارجی، میان سن بلوغ جسمی و شرعی و رشد فکری اطفال، لزوماً رابطه ای متناسب و هماهنگ وجود ندارد، بدین معنی که بسیاری از نوجوانان به ویژه دخترانی که تازه به سن بلوغ جسمی و شرعی رسیده اند، از رشد عقلی و فکری لازم در مسائل کیفری برخوردار نیستند. از طرفی رشد یک مفهوم نسبی است و نه مطلق. بدین معنی که به تناسب اشخاص و شرایط زمانی، مکانی و شرایط روحی هر فرد، سن رشد نیز متغیر است.

از سوی دیگر وقتی در مسائل مالی که با توجه به ماهیت، شرایط و احکام خاص خود، از اهمیت کمتری برخوردار است، برای حمایت از اطفال، علاوه بر بلوغ، رشد هم شرط است، در امور کیفری، که به مراتب مسئولیت سنگین تری در قضاوت طلب می‌کند، این شرط باید لحاظ گردد.

پرسشهای پژوهش

پرسش اصلی

آیا در خصوص دختران، رسیدن به سن بلوغ شرط مسئولیت کیفری است یا همانند امور مدنی شرط احراز رشد نیز معتبر است؟

پرسشهای فرعی

- ۱- رشد مفهومی نسبی است که به حسب شخص، زمان، مکان و شرایط خاص، متغیر خواهد بود یا یک مفهوم مطلق است؟
- ۲- اساساً در آیات و روایات، مفهوم رشد اختصاص به امور مدنی دارد یا می توان مفهومی عام از رشد را استفاده نمود که امور کیفری را نیز در برگیرد؟
- ۳- از چه سنی کودک قادر به تشخیص حسن و قبح تمامی اعمال میباشد؟
- ۴- آیا سن رشد برای شروع مسئولیت کیفری امری شخصی است یا نوعی؟

فرضیه

۱- وقتی در مسائل مالی، که با توجه به ماهیت، شرایط و احکام خاص خود، از اهمیت کمتری برخوردار است، برای حمایت از اطفال، علاوه بر بلوغ، رشد هم شرط است، پس در امور کیفری، رشد باید شرط باشد.

۲- رشد یک مفهوم نسبی است و نه مطلق. بدین معنی که به تناسب اشخاص و شرایط زمانی، مکانی و شرایط روحی هر فرد، سن رشد نیز متغیر است.

۳- مفهوم رشد در قرآن، روایات و لسان فقها، در معنایی اعم از امور مالی و کیفری به کار رفته است. یعنی در مسائل کیفری نیز سفاهت مصداق دارد و در برخی روایات، سفاهت در امور کیفری موجب انتفای مسئولیت کیفری یا تخفیف مجازات عنوان گردیده است.

۴- مفهوم «غیر مدرک» در لسان روایات، به معنای غیر بالغ و غیر رشید به کار رفته است و چون در روایات، شخص غیر مدرک فاقد مسئولیت کیفری عنوان گردیده و مشخص نشده است که مقصود از غیر مدرک، شخص غیر بالغ یا غیر رشید است، بنابراین در موارد شک، قاعده «درء» جاری می‌گردد.

۵- سن تکلیف عبادی (بلوغ) با سن تکلیف کیفری، ملازمه‌ای ندارد. از این رو، نمی‌توان لزوماً و در تمام موارد، آثار سن تکلیف عبادی (بلوغ) را به ویژه در دختران، در مسائل کیفری نیز معیار دانست. به عبارت دیگر سن ۹ سال برای دختران، سن تکلیف عبادی است و برای مسائل کیفری، علاوه بر بلوغ، رشد کیفری نیز شرط می‌باشد.

شایان ذکر است اگرچه دلایل مورد استناد در برخی موارد مربوط به بلوغ و رشد پسران است ولی باید به این نکته توجه نمود که اگر بتوان با ادله، لزوم احراز رشد کیفری را برای پسران اثبات نمود، همان ادله، برای اثبات لزوم احراز رشد کیفری دختران، قابلیت استناد دارد. بنابراین بررسی این دست از ادله، برای تحقق چنین هدفی است و مقصود اصلی در مرحله اول، اثبات لزوم احراز رشد برای دخترانی است که به سن بلوغ شرعی (۹ سال تمام قمری) رسیده‌اند.

پیشینه پژوهش

آقای محرم فرهنگ دانشجوی رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "آیین دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار" به راهنمایی استاد محمد علی اردبیلی و با مشاوره استاد رجب علی گلدوست جویباری که در سال ۱۳۸۰ دفاع شده است، هدف خود را از پژوهش، مطالعه و بررسی نقاط ضعف و قوت مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ ق. آ. د. د عمومی و انقلاب در امور کیفری و ارائه راهکارهای مناسب و علمی در زمینه بهبود و سامان بخشیدن به آیین دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار به منظور حفظ منافع اطفال و نوجوانان بزهکار و تامین منافع اجتماع در برابر بزهکاری اطفال می دانند. ایشان در پایان نامه شان بر حسب ضرورت، مفهوم طفل، بلوغ، رشد، سابقه تاریخی آیین دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، ویژگیها و اصول کلی حاکم بر رسیدگی به بزهکاری اطفال، اهداف تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، روش نیل به اهداف مذکور، بازداشت اطفال و نوجوانان بزهکار قبل از محاکمه، ضرورت تفکیک زندان اطفال و نوجوانان از سایر مجرمین، نحوه اجرای احکام راجع به اطفال و نوجوانان بزهکار را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. ضرورت تفکیک سن مسئولیت کیفری از سن بلوغ کیفری، لزوم تهیه و تدوین مقررات هماهنگ با اعلامیه های جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی مدنی و سیاسی و به ویژه کنوانسیون حقوق کودک، ایجاد نظام قضائی ویژه اطفال و نوجوانان بزهکار، ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، لزوم تدوین قوانین و مقررات مربوط به حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده از نتایج کلی این پژوهش می باشد.

خانم فاطمه صحرا نورد دانشجوی رشته فلسفه و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی فقهی نارساییهای حقوق زنان در قانون مجازات اسلامی" به راهنمایی استاد محمد رضا امام و با مشاوره استاد مرتضی چیتسازان که در سال ۱۳۸۲ دفاع شده است، هدف خود را از پژوهش، بررسی فقهی و حقوقی نارسایی های حقوق زنان در قانون مجازات اسلامی و ارائه پیشنهاد، جهت رفع این نواقص بیان کرده اند. ایشان معتقدند که با بررسی فقهی و حقوقی قانون مجازات اسلامی معلوم میشود، در مواردی از آن نسبت به زنان تخفیف و در برخی موارد نارسایی هایی صورت گرفته است. از موارد تخفیف، حد قوادی، کیفیت

مجازات حد زنان و برخی از حدود زنا را میتوان ذکر کرد اما نارسایی که محور اصلی در این پایان نامه می‌باشد: قصاص، دیات، سن مسئولیت کیفری و جرم فرزند کشی است، که لازم است این موارد مورد نقد، بررسی و بازنگری مجدد فقها و حقوقدانان قرار گیرد.

خانم **راضیه نجفی** دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "**بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری و مدنی اطفال**" به راهنمایی استاد شریف طبرستانی و با مشاوره استاد حسین گوگانی که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده است، تبیین حدود مسئولیت مدنی و کیفری اطفال را موجب اعمال کیفر مناسب و اصلاح طفل بزهکار و در نتیجه تامین رفاه اجتماعی می‌دانند.

خانم **روح انگیز حق ویردیلو** دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "**بزهکاری اطفال در نظام کیفری اسلام و ایران**" به راهنمایی استاد عبدالعی توجهی و با مشاوره استاد محمد رضا آیتی که در سال ۱۳۸۰ دفاع شده است، به بررسی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان می‌پردازند. این پژوهش در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول بزهکاری اطفال در نظام کیفری ایران و در بخش دوم بزهکاری اطفال در نظام کیفری اسلام مورد بررسی قرار گرفته است، و در آخر نتیجه می‌گیرند که بزهکاری اطفال، معلول علل و عوامل متعددی است که مهمترین آنها از کانون خانواده نشأت می‌گیرد. در قوانین موضوعه در نظام کیفری ایران و همچنین در احکام تربیتی اسلام، مجازات این اطفال جنبه تربیتی و اصلاحی دارد، به طور کلی، طفل فاقد هر گونه مسئولیت کیفری می‌باشد.

خانم **لیلا نعیمی** دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تربیت مدرس در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "**بررسی مسئولیت کیفری اطفال بزهکار از دیدگاه فقه و حقوق**" به راهنمایی آیت الله محمد موسوی بجنوردی و با مشاوره استاد غفور خوئینی که در سال ۱۳۸۰ دفاع شده است، ضمن بیان مفهوم کودک، قوه ممیزه، رشد، بلوغ و بزهکاری، سن

مسئولیت کیفری در کشورهای مختلف ، تاریخچه این قانون در قبل وبعد از انقلاب را مورد بررسی قرار داده اند و مقایسه آماری بین بزهکاری دختران و پسران در آن ارائه شده است.
آقای مهرداد قلی پور، در مقاله مجله حمایت^۱ به بررسی بزهکاری زنان و مسئولیت های کیفری می پردازند.

آقای حسن رحیمی در مقاله ماهنامه دادگستر^۲ به بررسی مسئولیت کیفری اطفال می پردازند.

خانم عدرا مرادی در مقاله فصلنامه فقه اهل بیت^۳ به بررسی شرط رشد در مسئولیت کیفری می پردازند.

^۱ مجله حمایت مورخه سوم آبان ۱۳۸۶، صفحه ۱۱

^۲ ماهنامه دادگستر، ش ۲۱، ص ۴۴ - ۴۷

^۳ فصلنامه فقه اهل بیت، ش ۵۳، ص ۵۷ - ۱۱۴

فصل دوم

ادبیات پژوهش